



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۰۶

عبدالقیوم میرزاده

چرا امریکا برای ما دولت سازی میکند؟

زلمی خلیل‌زاد نماینده امریکا برای صلح افغانستان که من آنرا دقیقاً نماینده امریکا برای تشدید جنگ در افغانستان تشخیص داده ام زیرا او یکی از بقایای فعال طرح ها و دکترین زیبگنیف برژینسکی و در سایه نظریه پردازی های ساموئل هانتینگتون و تیوری معروفش برخورد تمدن ها تاکنون در دهلیز های سیاست سازی امریکا میباشد. او مجدانه سعی دارد با تشدید جنگ ها و مخاصمات منطقوی، مخاصمات فرهنگی، ملی، زبانی، مذهبی و محلی پیش زمینه های جنگ های داخلی را در سراسر ساحات حوزه نفوذ امریکا دامن زده و این آتش را همچنان آفروخته نگهدارد.

بنأ در هر حالت از ایشان نباید انتظار داشت تا کدام طرحی را برای تأمین صلح در افغانستان ارائه کند زیرا همچو طرحی با باور های او برای تأمین منافع ملی امریکا نمی گنجد و او این مسئله را در قریب چهل سال ماموریتش در افغانستان، عراق و بسا سایر نقاط جهان به اثبات رسانیده است. (مراجعه شود به کتاب فرستاده از قلم خودش) از لابلای اخبار و پیامخانه های توثیت افراد شاغل در مسایل افغانستان چنین بر می آید که خلیل زاد در سفر اخیرش به افغانستان و قطر طرحی جدیدی را مبنی بر ایجاد دولت انتقالی صلح بدسترس سیاسیون افغانستان و طالبان پاکستانی قرار داده است که بر مبنای این طرح دولت انتقالی گویا با حفظ قانون اساسی موجود ادغام نیروهای طالب یعنی پاکستانی ها را در ساختار اردو و پولیس مطرح میکند.

با آنکه روز چهارشنبه مؤرخ ۳ مارچ قصر سفید ایالات متحده امریکا سندی را زیر نام رهبری استراتیژیک مؤقت interim strategic guidance در ۲۳ صفحه منحصیث سند مهم اجرائیوی اداره بایدن منتشر ساخت که در این گزارش به دیموکراسی، تحکیم روابط با شرکا و همپیمانان اروپایی تأکید بعمل آمده و در عوض مداخلات نظامی برای استقرار رژیم های دیموکراسی در جهان رویکرد ها و شیوه های متفاوت کار پیبینی شده است. آرزو ندارم در باره این سند و جزئیات طرحی که گفته میشود خلیل زاد بدسترس سیاسیون افغانستان قرار داده است توضیح و تفسیر ارائه کنم زیرا سند منتشره سیاست استراتیژیک امریکا را منعکس میکند و همانطوریکه در بالا ذکر کردم از خلیل زاد و استراتیژی های برژینسکی هیچگاه نباید انتظار داشت که طرحی برای صلح و ثبات برای کشور ما و یا منطقه ارائه کند.

اما سوال اساسی این است که چرا امریکا و یا خلیل زاد به نیابت دولت و مردم ما برای کشور ما نسخه و یا طرح حکومت یا دولت سازی ارائه میکنند؟

همانطوریکه خلیل زاد در مصاحبه با طلوع دسمبر ۲۰۱۹ بیان داشت که «امریکا به اجازه کسی به افغانستان نیامده است و حالا برای رفتن هم اجازه ضرورت ندارد.» اگر امریکاییان واقعاً مصمم اند قوای خود را از افغانستان خارج کنند که حالا هم این پروسه تقریباً به آخر رسیده است و اکنون دو هزار و اندی قوایش در افغانستان باقیمانده است که در مقیاس قوت های بیشتر از دوازده هزار نفری ناتورقم حدود ۱۶ فیصد را در افغانستان تشکیل میدهند میتوانند بر پایه میل و اهداف خود شان آنرا به کشور شان برگردانند، و اگر آرزومند ادامه روابط سیاسی- اقتصادی- نظامی و فرهنگی با کشور ما هستند و منافع شان ایجاب میکند براساس معیار های روابط بین الدول و منشور ملل متحد و تعهدات ملی، منطقوی و بین المللی با دولت افغانستان تأمین هر نوع تماس با مخالفین افغانستان که برپایه منافع پاکستان مداخله مسلحانه، ترور و اختناق تا سرحد جنگ تمام عیار علیه کشور ما براه انداخته اند و از طریق آنها وارد آوردن فشار بر اداره دولت افغانستان حکم مداخله صریح در امور داخلی کشور ما محسوب

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

میگردد و دولت افغانستان این حق را برای خویش محفوظ نگاهدارد تا بر علیه همچو اقدامات مداخله گرانه به مراجع بین المللی و اداره ملل متحد شکایت کند.

از مصاحبه های مسئولین اداره کشور، سیاسیون و دست اندرکاران امور اقتصاد، اجتماع و سیاست در روز های اخیر بر می آید که خوشبختانه بیشترین آنها با طرح های ارائه شده خلیل زاد مخالفت صریح خویش را بیان داشته و آنرا به مثابه فروپاشی نظام تلقی کرده اند و برای طالبان که ادعا دارند در هفتاد فیصد کشور حاکم هستند، آتش بس بدون قید و شرط انتقال ساز و برگ نظامی شان از پاکستان بداخل کشور و گزینه انتخابات پیشکش شده است.

چنانچه سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان در مراسم بیست و ششمین سالگرد کشته شدن عبدالعلی مزاری در جمع کثیری از سیاسیون کشور بیان داشت: دولت موقت به معنی فروپاشی نظام است..... هیچ طرحی نباید در غیاب دولت این کشور و بدون در نظر گرفتن منافع ملی تنها بر اساس خواست خارجی ها مطرح شود..... هر نوع طرحی باید با حفظ نظام سیاسی و تداوم قانون اساسی کشور مطرح شود و نه به قیمت فروپاشی نظام و لغو قانون اساسی..... بهترین راهکار صلح پایدار، مشارکت عادلانه و همه جوانب به شمول گروه طالبان در نظام جمهوری اسلامی افغانستان و برگزاری انتخابات است..... تعیین سرنوشت سیاسی مردم به جز از طریق انتخابات عمومی از هیچ طریق دیگری مانند دایر کردن مجلس "اهل حل و عقد" و مشابه آن امکان پذیر نیست و بدون انتخابات این کشور به بحران عمیقتر دیگری فرو خواهد رفت.

همانطوریکه در گزارشات قبلی به کرات تصریح کرده ام که منبع تروریسم، بنیاد گرایی مذهبی و از طریق آن مداخله در امور افغانستان از پاکستان تمویل، تجهیز و هدایت میگردد. هر کشور، هر سازمان و یا هر شخصیتی که آرزومند تأمین صلح در افغانستان است بانیست پاکستان را وادار به تغییر پالیسی گرداند. این پاکستان است که سیاست خارجی اش را بر مبنای مداخله تا سرحد ایجاد حکومت دست نشاندۀ خودش یعنی طالب در افغانستان تعریف میکند. اما خلیل زاد در طول چهل سال تصدی اش در سیاست خارجی امریکا هرگز نامی از این مداخله نبرده است و هیچگاهی در قبال این مداخلات الترناتیف های ثبات محور برای استراتژیست های پاکستانی مطرح نکرده است. بناً دولتمداران و نیرو های سیاسی ما بخوبی بدانند که در پشت هر طرح خلیل زاد محمل ها و شگرد های به درازا کشانیدن جنگ و برادر کشی، بی ثباتی تا سرحد جنگ داخلی مطمع نظر است. ممکن است این طرح ها با جملات بسیار و سوسه انگیز، فریبنده و صلخواهانه تزئین شده باشد اما به یقین میتوان اذعان کرد که همه اش خدعه و نیرنگ است. او از همه بهتر میداند که کلید هدایت و اداره طالبان در دست استخبارات نظامی پاکستان است و او این نیروی اهریمنی را هم بخاطر اشتیاق پاکستان در طرح های عمق استراتژیک اش در امور افغانستان و هم مداخلات امریکا علیه چین با استفاده از محمل ایغور های مسلمان که پاکستان با داشتن تجارب چهل ساله از جهاد افغانستان به متخصص بلامتنازع جهاد سازی و تروریسم پروری جهانی مبدل گشته است، کلید فشار علیه تاجکستان منحصت شریک استراتژیک فدراتیف روسیه، ازبکستان و ترکمنستان در قبال صدور انرژی و تأمین کننده گان انرژی چین و اهداف بی ثبات کننده در شرق میانه مورد استفاده قرار میدهد اما در انظار جامعه جهانی طالب را نیروی آزادی بخش افغانی معرفی میکند و مخالفت دولت افغانستان در قبال این اهریمنان یعنی طالبان پاکستانی را مخالفت در مسیر توافقات صلح برای ادامه تکیه بر اریکه قدرت عنوان میکند و هرگز نامی از مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان نمی برد. از طرف دیگر چرا شما آقای خلیل زاد برای ما نسخه حکومت سازی بدهید؟ چرا شما برای ما تعیین تکلیف میکنید؟ به قول خودتان آمدن تان به صلاح خودتان بوده، رفتن تان نیز به صلاح خود تان است. پس این عوامفریبی برای چیست؟ در همچو شرایط مداخله یگانه امیدواری برای نجات کشور از مصیبت جنگ و فساد اتحاد همه مردم بدور حاکمیت ملی و دفاع از دستآورد های قانون اساسی، آزادی های دیموکراتیک، انتخابات، فعالیت همه نهاد های جامعه مدنی میباشد. همه سیاسیون و نماینده گان اقشار مختلف مردم یکصدا به همه خارجیان بگویند که در امور داخلی کشور ما مداخله نکنید، ما توانایی آنرا داریم که مشکلات خویش را خود حل کنیم. شما دیگر برای ما حکومت نسازید. ما توانستیم با همه تخریبات، مداخلات و سنگ اندازی های خارجیان انتخابات را برگزار کنیم و باز هم توانایی آنرا داریم که این کار را کنیم. ما منحصت یک کشور بیطرف خواهان روابط متقابل سیاسی - اقتصادی و فرهنگی با تمام دول جهان بر پایه حقوق و روابط قبول شده بین المللی هستیم. اگر افغان ها آرزومند یک افغانستان بدون جنگ، خونریزی و فساد اند، همچو افغانستانی تنها در اتحاد همه مردم، سیاسیون و جامعه مدنی برای مشروعیت دهی دولت مقتدر ملی در زیر بیرق سه رنگ ملی و رعایت کامل قانون اساسی کشور میسر و ممکن میگردد. در چنین حالتی پاکستان مجبور میشود پیشنهادات جاگزین دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای حسن همجواری، تأمین روابط سیاسی - اقتصادی، دسترسی به بازار های آسیای میانه و حل معضلات تاریخی میان دو کشور را مورد غور قرار دهد. در همچو اوضاع دولت و دستگاه دیپلوماسی کشور بوسیله تیم های مجرب کارشناس امور طرح های بدیل برای پاکستانی ها مطرح کنند البته که این طرح ها ضمانت اجرایی برای شگوفایی اقتصاد و آینده منطقه، افغانستان و پاکستان داشته باشد و طرف قناعت استراتژیست های پاکستانی نیز قرار گیرد.

رویداد های تاریخی نیم قرن آخر ما می آموزد که پاکستان در همه این برهه در قبال افغانستان نهایت خصمانه، تجاوزکارانه و در مذاکرات و جلسات بین المللی و منطقوی با عدم صداقت و به شیوه حیل، خدعه و نیرنگ عمل

کرده است که این امر دست اندر کاران سیاست کشور ما را در قبال پاکستان فوق العاده بد بین و متردد ساخته است و پیوسته مانع بزرگی بوده در راه تشنج زدایی و بمیان آوردن فضای اعتماد متقابل. قابل ذکر میدانم که بیشترین ترس پاکستان از حکومت و یا حکومت افغانستان همانا چگونگی روابط افغانستان با هند میباشد. از آنجائیکه در چهل سال اخیر دستگاه سیاست خارجی افغانستان تعریف معین و مشخصی از روابط خویش با کشور های جهان منجمله روابط با کشور هند ارائه نمیکند یا بهتر است بگویم که در روابط بین الدول روابط تعریف نشده باعث سوءظن بوده و سیاست ها را در قبال خویش در حالت بلاتکلیف قرار میدهد. بدین لحاظ لازمی است تا دستگاه دیپلوماسی بر پایه منافع ملی کشور روابط خویش را با تمام کشور های جهان منجمله کشور هاییکه در چهل سال اخیر به نحوی در محراق توجه مسایل افغانستان قرار داشته اند تعریف مشخص کرده و برپایه این تعریف نماینده گی های سیاسی دیپلوماتیک و اقتصادی بتوانند خطوط کاری خویش را در همه کشور های جهان معین ساخته و روابط حسنه با دول جهان، سازمانهای بین المللی و احزاب سیاسی جهان تأمین کنند و بتوانند منحنی شرکای قابل اعتماد جایی مناسبی در عرصه بین المللی احراز کنند.